



عیسی مسیح برمی گردد

مکاشفات زمان پایانی

تعلیم صحیح

آخرین احیای کلیسا

(رویای تامی هیکس)

منبع و تماس:

اینترنت سایت: <https://www.mcreveil.org>

پست الکترونیک: mail@mcreveil.org

عیسی مسیح خدای حقیقی است و زندگی ابدی

اما تو ای دانیال کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری بسرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید.
دانیال 12: 4

او جواب داد که «ای دانیال برو زیرا این کلام تا زمان آخر مخفی و مختوم شده است. بسیاری طاهر و سفید و مصفی خواهند گردید و شیرین شرارت خواهند ورزید و هیچ کدام از شیرین نخواهند فهمید، لیکن حکیمان خواهند فهمید.
دانیال 12: 9-10

قبل از شروع خواندن این تعلیم،
چند لحظه در مورد سوال زیر مدیتیشن کنید:

ابدیت خود را کجا سپری خواهید کرد؟

در بهشت؟

یا

در جهنم؟

جهنم واقعی است و ابدی است.
بهش فکر کن!

خواندن مبارک! خدا خودش را برای شما فاش کند!

هشدارها

این کتاب رایگان است و به هیچ وجه نمی تواند منبع کسب و کار باشد.

شما آزادید که این کتاب را برای خطبه های مختلف خود کپی کنید، یا آن را کپی کنید تا آن را توزیع کنید، یا آن را برای انجیلی کردن در شبکه های اجتماعی کپی کنید، به شرطی که محتوای این کتاب به هیچ وجه تغییر یا اصلاح نشود، و به شرطی که منبع این کتاب، یعنی وب سایت را ذکر کنید mcreveil.org.

وای بر شما بندگان شیطان که حریص هستید و سعی خواهید کرد این تعالیم و این شهادت ها را تجاری کنید!

وای بر شما فرزندان شیطان که دوست دارید این تعالیم و این شهادت ها را در شبکه های اجتماعی منتشر کنید در حالی که نشانی وب سایت را پنهان می کنید www.mcreveil.org یا با جعل محتویات این تعالیم و این شهادت ها!

بدانید که می توانید از نظام قضایی مردان فرار کنید، اما مطمئنا از قضاوت خدا فرار نخواهید کرد.

ای ماران و افعی زادگان! چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد؟ متی 23: 33.

توجه کنید

این کتاب به طور منظم به روزرسانی می شود. ما به شما توصیه می کنیم که بروید و نسخه به روز را دانلود کنید، که می تواند در وب سایت یافت شود www.mcreveil.org.

فهرست مطالب

3.....	هشدارها
5.....	1- مقدمه
5.....	2- آغاز رؤیا
5.....	3- رؤیای بدن مسیح
9.....	4- رستاخیز
9.....	5- قضاوت خدا
9.....	6- ربوده شدن
10.....	7- نتیجه گیری
12.....	دعوت

آخرین احیای کلیسا

رویای تامی هیکس
(به روز شده در 2024 01 15)

1- مقدمه

برادران عزیز در مسیح، ما می خواهیم رویای یک بنده باستانی خدا را که در محیط مذهبی خیلی شناخته نشده است با شما به اشتراک بگذاریم. این مبشر کانادایی تامی هیکس است که خدا از طریق او باعث بیداری معنوی بزرگ در آرژانتین در سال 1954 شده بود. در سال 1961، این مرد خدا رویایی در مورد کلیسای عیسی مسیح و خدمت زمان آخر داشت. در این رؤیا، او وضعیت غم انگیز کلیسا را در زمان آخر دیده بود، و اینکه چگونه خدا باید قوم خود را قبل از صدای شیپور بیدار کند. جلال به خدا!

2- آغاز رؤیا

این رویا در 25 ژوئیه، حدود ساعت دو و نیم صبح، در وینپیگ، کانادا آغاز شد. من به سختی به خواب رفته بودم که رؤیا و مکاشفه ای از جانب خداوند دریافت کردم. این رویا سه بار در صبح 25 ژوئیه 1961 بازگشت و او تا کوچکترین جزئیات کاملاً یکسان بود. من از این وحی آنقدر لرزیدم و تحت تاثیر قرار گرفتم که ایده من از بدن مسیح و همچنین آخرین خدمت زمان آخر را کاملاً تغییر داد. **بزرگترین چیزی که تاکنون به کلیسای عیسی مسیح داده شده است، هنوز درآمده است.** کمک به مردان و زنان برای درک آنچه که خدا می خواهد در زمان آخر به قومش بدهد بسیار دشوار است.

3- رویای بدن مسیح

فکر نمی‌کنم کامل این رؤیا را کاملاً درک کرده باشم تا زمانی که این قسمت را در یوئیل 2: 23 نخواندم: "ای پسران صهیون در یهوه خدای خویش وجد و شادی نمایید، زیرا که باران اولین را به اندازه‌اش به شما داده است و باران اول و آخر را در وقت برای شما بارانیده است." خدا نه تنها اولین و آخرین باران را خواهد بارید، بلکه در این روزهای آخر به قوم خود سهمی مضاعف از قدرت خدا خواهد داد.

وقتی رویای به من ظاهر شد، ناگهان خودم را در ارتفاع بسیار بزرگی پیدا کردم. اصلاً نمیدونم کجا بودم. اما وقتی به پایین، به سمت زمین نگاه کردم، تمام دنیا را دیدم. هر ملت، هر نژاد، هر زبان، از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب. هر کشور و چندین شهری را که قبلاً رفته بودم، شناختم. وقتی به چیزی که جلوی چشمانم بود نگاه میکردم، میترسیدم و میلرزیدم. در همان لحظه که جهان ظاهر شد، رعد و برقی بسیار قوی از آسمان می‌آمد.

همانطور که رعد و برق سطح زمین را روشن کرد، نگاهم را به سمت شمال چرخاندم. ناگهان، یک فلش از نور شدید تمام زمین را روشن کرد. به پایین نگاه کردم و چیزی شبیه یک غول عظیم بزرگ دیدم. همانطور که به او نگاه کردم و ثابت ایستادم، از دیدن او مات و مبهوت شدم. این

غول بسیار بزرگ بود. به نظر می رسید که پاهایش به قطب شمال می رسید و سرش به قطب جنوب. بازوهایش از دریا به دریا پخش شده بود. اولش نمی دانستم کوه است یا غول. در حالی که نگاه می کردم، ناگهان فهمیدم که واقعاً یک غول عظیم بود. و متوجه شدم که او فقط برای زنده ماندن تلاش می کند. بدن او از سر تا پا با آوار پوشیده شده بود و به نظر می رسید که زنجیر شده باشد. و گاهی این غول بزرگ بدنش را حرکت می داد و طوری رفتار می کرد که انگار می خواهد بلند شود. وقتی غول سعی کرد حرکت کند، هزاران موجود کوچک و نفرت انگیز از حضورش فرار کردند. وقتی غول حرکت نمی کرد، موجودات به سمت او باز می گشتند. من به وضوح دیدم که این موجودات کوچک ابزار شکنجه بودند که بدن مسیح را برای قرن ها زنجیر کرده بودند.

ناگهان این غول عظیم بزرگ یک دستش را به سوی آسمان بلند کرد، سپس دست دیگرش را بلند کرد. وقتی او این کار را کرد، هزاران نفر از این موجودات از حضور او گریختند و در تاریکی شب ناپدید شدند. آهسته آهسته، غول شروع به ایستادن کرد، و وقتی بلند شد، سر و دست هایش به ابرها نفوذ کرد. او روی پاهایش ایستاده بود، بدنش از خاک و ناخالصی ها پاک شده بود. سپس شروع به بلند کردن دستان خود به سوی آسمان کرد که گویی خدا را ستایش می کند. همانطور که دستانش را بلند کرد، آنها به درون ابرها نفوذ کردند. در همان لحظه، هر ابر به نقره ای تبدیل شد، زیباترین نقره که تا کنون دیده بودم. با مشاهده این پدیده، آنقدر چشمگیر بود که نمی توانستم معنای آن را درک کنم.

سپس، کاملاً ناراحت، من به خداوند فریاد زد: "این همه به چه معناست؟" او به من گفت: "من می خواهم سال هایی را که ملخ ها، سوسک ها، ارزنل و اوباش و دزدان، که من شما را فرستاده ام، در گله بزرگ من بلعیده اند، به شما بازگردانم. فرزندان کوچک من، من گنجینه های خود را به شما داده ام. بچه های کوچک من، شما متعلق به من هستید. فرزندان کوچکم، من شما را با عشقی ابدی دوست داشته ام. فرزندان کوچک من، اکنون، نیروی من باید در شما نفوذ کند. بچه های کوچولوم، عطایای هایی که به شما دادم باید برای دنیای در حال مرگ و گمشده استفاده بشه. من دارم کار میکنم تا دوباره تو رو بازسازی کنم."

متوجه شدم که من تمام این اتفاقات را از طریق روح زندگی می کنم، به طوری که حتی در حالی که خواب بودم می توانستم حضور خداوند را احساس کنم. از این ابرها، ناگهان، قطرات بزرگی از نور مایع بر روی این غول قدرتمند افتادند. به آرامی، این غول چشمگیر شروع به ذوب شدن کرد، گویی در خود زمین فرو می رود. در همان لحظه که شکل بزرگ او در صورت زمین ذوب می شد، باران بزرگی شروع به باریدن کرد. قطرات نور مایع سراسر زمین را زیر آب گرفت. پس، در حالی که من این غول را در حال ناپدید شدن می دیدم، ناگهان دیدم که او به هزاران نفر تبدیل شده است که در سراسر سطح جهان پراکنده شده اند. همه این مردم با دستان برافراشته ایستاده بودند و خداوند را ستایش می کردند.

در آن لحظه رعد بزرگی در آسمان طنین انداز شد. من چشمانم را به سمت بالا برگرداندم و ناگهان این موجود سفید بزرگ را دیدم؛ شخصیتی که لباس سفید پوشیده و به طرز خیره کننده ای سفید است. این باشکوه ترین چیزی بود که در عمرم دیده بودم. نمیتوانستم چهره را ببینم، اما فهمیدم که

این خداوند عیسی مسیح است. او دست خود را بر اقوام جهان پهن کرد. سپس، در نتیجه ژست او، نور مایع بر روی آنها به شکل یک مسح الهی قدرتمند، مانند یک قدرت مایع ریخت. به محض اینکه این نور مایع به شخص می رسید، دستان آن شخص از آن پر می شد. و هنگامی که این افراد این "بلسان آسمانی" را دریافت کردند، به بیمارستان ها، خیابان ها و بیمارستان های روانی رفتند. و این مردم به تمام طول و وسعت از کشورها عبور کردند. آنها را دیدم که از اقیانوس ها عبور می کنند، آتش و پیروزمندانه با انواع آزار و شکنجه روبرو می شوند. دیدم که روح آن ها را بلند می کند و آن ها را به مکان های بسیاری می برد.

خدا اونها رو به جایی که میخواست گذاشت. آنها برای نبرد آماده و مسلح بودند. من شنیدم که آن ها این گونه می گفتند: "با توجه به کلمه من، تو شفا یافته ای." هنگامی که این نیروی مایع از دستان آنها جاری می شد، هر فردی که توسط آن لمس می شد بلافاصله شفا می یافت و به سلامت کامل باز می گشت. من تشخیص دادم که رؤیا نمایی از پادشاهی خدا برای همه کسانی است که از او پیروی خواهند کرد. من دائماً مردم را می دیدم که مانند رودخانه راه می روند. من انسان ها را دیده ام که شفا می یابند، نابینایان چشمانشان را باز می کنند، ناشنوایان می شنوند. من به طور مشخص دیدم که چگونه هزاران نفر از قدرت وحی بزرگ استقبال کردند. این نیرو در درون افراد به صورت مایع عمل می کند. هیچ مردی تجلیل نشد، بلکه مردم فقط این کلمات را مدام تکرار می کردند: "با توجه به کلمه من، تو شفا یافته ای".

منی دانم چقدر این را تماشا کردم، احساس می کردم روزها، هفته ها و ماه ها ادامه دارد. من مشاهده کردم که مسیح ادامه می دهد دست خود را دراز کند. اما یک تراژدی رخ داد. بسیاری از افرادی که عیسی دستش را به آنها دراز کرد، دعوت و مسح خدا را رد کردند. افرادی را دیدم که می شناختم، افرادی را که باور داشتم قطعاً دعوت خدا را دریافت خواهند کرد. همانطور که عیسی دست خود را به این یکی و به آن یکی دراز کرد، آنها به سادگی سر خود را خم کردند و شروع به عقب نشینی کردند و به تاریکی رفتند. من در چهره های آنها رنج را دیدم: قیمت خیلی بالا بود. به نظر می رسید برای آنها مهم تر است که زندگی خود را حفظ کنند. آنها نمی خواستند جلو بروند. قیمت بزرگتر از آنچه آنها تحمل می کردند بود. و در نهایت، آنها به شب تاریک ابدی اخراج شدند. به نظر می رسید تاریکی از هر طرف آنها را فرا گرفته بود. وقتی اینو دیدم ناراحت شدم.

اما کسانی که مسح الهی را دریافت کرده بودند، زمین را پوشانده بودند. صدها، هزاران نفر در سراسر جهان بودند، در آفریقا، آسیا، روسیه، چین و آمریکا. مسح خدا بر آنها بود، همانطور که آنها به نام خداوند راه می رفتند. این فرزندان خدا را دیدم که از همه گروه های اجتماعی، از ثروتمندان و فقرا آمده بودند و به جلو حرکت می کردند. من افرادی را دیدم که فلج بودند، دیگران مریض، نابینا یا ناشنوا، و چون خداوند دست خود را برای دادن این مسح به آنها دراز کرد، شفا یافتند و آنها نیز شروع به راه رفتن کردند.

اینجا معجزه است، معجزه ای شکوهمند: این افراد دستان خود را همانطور که خداوند برای آنها انجام داده بود دراز کردند و دستانشان همان آتش مایع را در بر داشت. هنگامی که آنها دست خود را بر روی مردم قرار داده، آنها گفتند، "با توجه به کلمه من، تو شفا یافته ای." همانطور که آنها

در این خدمت قدرتمند زمان آخر پیش می رفتند، من کاملاً متوجه نشدم که چه اتفاقی می افتد. بنابراین به سوی خداوند نگاه کردم و از او پرسیدم: "این چه معنایی دارد؟" او پاسخ داد: "این کاری است که من در زمان آخر انجام خواهم داد. من به شما خواهم داد آنچه که کرم، بید و کرم پیله‌ساز از بین برده‌اند. قوم من، که در زمان آخر خواهد بود، مانند یک ارتش قدرتمند جلو خواهند آمد، آنها زمین را پوشش خواهند داد."

همانطور که در این ارتفاع بزرگ بودم، می توانستم به تمام دنیا نگاه کنم. من مردم رو می دیدم که اینجا و اونجا می رفتند، روی سطح زمین. ناگهان مردی در آفریقا برخاست و در یک لحظه توسط روح خدا به روسیه یا چین یا آمریکا یا هر کجا و برعکس منتقل شد. در سراسر جهان مؤمنان به جلو حرکت می کردند. آنها در حال گذر از آتش، طاعون، قحطی بودند. نه آتش و نه آزار و شکنجه نتوانست آنها را متوقف کند. مردم خشمگین با شمشیر و توپ برای حمله به آنها آمدند، اما مانند عیسی از میان جمعیت عبور کردند و هیچ کس نتوانست آنها را پیدا کند. آنها به نام عیسی راه می رفتند و هر جا که دست هایشان را دراز می کردند، بیماران شفا می یافتند، نابینایان بینایی شان را دوباره به دست می آوردند، و این بدون دعا‌های طولانی.

یه چیز بهم ضربه زد: پس از چند بار تکرار این رویا در ذهنم و فکر کردن زیاد به آن، متوجه شدم که یک بار هم ندیده بودم که این مومنان در مورد کلیساها یا گروه های مذهبی صحبت کنند. آنها به سادگی به نام یهوه صباوت راه می رفتند. هَلُویاه! وقتی راه می رفتند، همه چیز را طبق خدمت مسیح در زمان آخر انجام می دادند. آنها به مردمان در سطح زمین خدمت می کردند. همانطور که این ارتش به جلو حرکت کرد و پیام پادشاهی را اعلام کرد، که در این زمان های پایانی می آید، ده ها هزار نفر به خداوند عیسی مسیح آمدند. کاملاً با شکوه بود. کسانی که سرکش بودند عصبانی شدند و سعی کردند به کسانی که پیام را دادند حمله کنند.

خدا در این آخرین ساعت تظاهراتی به دنیا خواهد داد که دنیا هرگز ندیده است. این فرزندان خدا از هر لایه‌ای از جامعه بودند، مدارک تحصیلی اهمیتی نداشتند. من این افراد را در حالی که در سراسر جهان پخش می شدند تماشا کردم. هنگامی که به نظر می رسید یکی از آنها می افتد، دیگری می آمد و به او کمک می کرد تا بلند شود. یک "من بزرگ" و یک "تو کوچک" وجود نداشت. آنها یک چیز مشترک داشتند: یک عشق الهی، که از آنها بیرون می آمد، همانطور که با هم راه می رفتند، با هم کار می کردند، با هم زندگی می کردند.

این با شکوه ترین چیزی بود که تا به حال دیده بودم! عیسی مرکز زندگی آنها بود. آن‌ها ادامه دادند و به نظر می رسید که روزها می گذرد در حالی که من ایستاده بودم و این نمایش را می دیدم. من فقط می توانستم گریه کنم - و گاهی اوقات می خندیدم. این بسیار زیبا بود برای دیدن این مردم رفتن در سراسر چهره زمین برای نشان دادن قدرت خدا در این زمان آخر.

با مشاهده همه چیز از آسمان، دیدم که گاهی رودخانه نور مایع بر جماعت های بزرگی که جمع شده بودند فرود می آمد. سپس این افراد دستهای خود را بلند می کردند و ساعت ها و حتی روزها خدا را ستایش می کردند، همانطور که روح خدا بر آنها نازل می شد. خدا اعلام کرد: "روح خود را بر همه بشر خواهم ریخت". دقیقاً همان کاری بود که او انجام می داد. برای همه کسانی که مسح را دریافت کردند، هیچ محدودیتی برای معجزات خدا وجود نداشت.

من همچنین دیدم که بسیاری از مردم از هر ملت کاملاً متحول شده اند: در سیبری، کانادا و آفریقا، و سپس در سراسر جهان. من به معنای واقعی کلمه روح خدا را دیدم که آنها را در ابرها برد و آنها را به کشورهای مربوطه هدایت کرد. بعد آن، یک موجود عظیم از بین ابرها ظاهر شد که دستوراتی به مردم می‌داد، و مردم به جایی که دستور شده بودند رفتند: غرب، شرق و سایر جهات.

4- رستاخیز

اما در حالی که مؤمنان زمین را پوشانده بودند، آزار و اذیت بزرگ از هر طرف فرا رسید. ناگهان صدای رعد جدیدی در سراسر جهان طنین انداز شد. همچنین صدایی شنیدم که می‌گفت: *"اینها قوم من هستند، عروس محبوب من."* وقتی این صدا شنیده شد، با دقت به دنیا نگاه کردم، می‌توانستم دریاچه‌ها، کوه‌ها را ببینم. مقبره‌ها گشوده شد و قدیسان از همه زمان‌ها و اعصار بیرون آمدند. آنها از همه طرف - از شرق و غرب، از شمال و جنوب آمدند و دوباره با هم این بدن غول پیکر را تشکیل دادند. خیلی فوق‌العاده بود؛ فراتر از هر چیزی که می‌توانستم فکر یا رویا داشته باشم!

سپس، در حالی که این بدن، بیشتر و بیشتر، دوباره شکل گرفت، ناگهان دوباره کاملاً ظاهر غول بزرگ را به خود گرفت. اما این بار آن متفاوت بود؛ غول یک پوشاک سفید خیره‌کننده با شکوه پوشیده بود. پوشاک‌های او عاری از لکه و کثیفی بود، در حالی که بدن او شکل خود را به دست آورد. افراد در هر سنی برای تشکیل این بدن گرد هم آمدند. آهسته، از بهشت، خداوند عیسی آمد و سر این بدن شد. هر موجودی در کمال کامل بود. صدای رعد دیگری شنیدم که گفت: *"اینجا همان عروس محبوب من است که من منتظر او هستم؛ او خواهد آمد؛ با آتش آزمایش شده است؛ او کسی است که از ابتدا دوستش داشته‌ام."*

5- قضاوت خدا

وقتی اونجا وایسادم و نگاه می‌کردم، ناگهان چشم‌ام به سمت شمال دور برگشت. من نابودی بزرگی دیدم، مردان و زنان ترسیده فریاد می‌زدند، من ساختمان‌ها را در حال فروپاشی دیدم. سپس برای چهارمین بار صدایی شنیدم که می‌گفت: *"اکنون، غضب من بر روی زمین سرازیر می‌آورد."* غضب خدا به چهار گوشه جهان ریخته شد، گویی چون یک سیل بر روی زمین ریخته شد. غضب و قضاوت خدا از طریق رنج‌های عظیم و بیان‌ناپذیر جاری شد: مردم سراسر زمین که مسیح را رد کرده بودند جامی پر از خشم خدا دریافت کردند. من وحشت زده شدم و وقتی به این صحنه وحشتناک از شهرها و ملت‌هایی که کاملاً توسط نابودی نابود شده بودند نگاه کردم، لرزیدم. صدای گریه مردم را شنیدم و ناله را شنیدم. آنها فریاد زدند و به حفره‌های صخره‌ها پناه بردند، اما غارها و کوه‌ها باز شدند. خود را در آب انداختند، اما آب آن‌ها را فرا گرفته نمی‌شد. چیزی وجود نداشت که بتواند آن‌ها را از بین ببرد. آنها سعی می‌کردند جان خود را از بین ببرند، اما موفق به انجام این کار نمی‌شدند.

6- ربوده شدن

یک بار دیگر صدایی را شنیدم که شبیه رعد و برق شدید بود: *"ببین، داماد داره میاد، بیا بیرون، بیا و باهاش ملاقات کن، چون اون خدای جلال است. درها و لنتل‌ها، خودتان را پایین بیاورید. صورت خود را کج کنید، زانوها را خم کنید. ورودی خدای جلال را پرستش کنید."* در همان

لحظه، گویی خدا دستور داده بود، هارمونی‌ها موسیقی آسمانی طنین انداز شد. این موسیقی با صداها و آکوردهای باشکوه مشخص می‌شد. این موسیقی از قدرت و غنای بی‌نظیری برخوردار بود که هیچ گوش بشری آن را نشنیده و حتی تصورش را نکرده بود، زیرا سرود برّه آمیخته با سرود موسی بسیار زیبا بود.

توجه من دوباره به بدن با شکوه، پوشیده از پوشاک سفید زیبا و درخشان جلب شد. **من بن شکوهمند را دیدم که به مکان های آسمانی برده شد.** من به تازگی خدمت زمان آخر را تماشا کرده بودم. ما با قدرت و مسح خدا پر خواهیم شد. ما مجبور به موعظه خطبه‌ها نخواهیم بود. ما مجبور نخواهیم بود به انسان وابسته باشیم، و نه پژواک گروه های مذهبی باشیم، اما ما قدرت خدای زنده را خواهیم داشت! ما از انسان نخواهیم ترسید، بلکه به نام یهوه صباپوت خواهیم رفت. از آن لحظات شگفت‌انگیز و تا این روز، این کلمات در روح من دائماً به صدا درآمده‌اند: **"او به زودی می‌آید - او می‌آید!" [پایان رویای].**

7- نتیجه گیری

عزیزان، شما فرزندان خدا، اگر این رویای انداز برادر ما تامی هیکس به حقیقت برسد، برای مردم خدا تسکین خواهد بود. چون، همانطور که در مقاله بالا می‌خوانید، و همانطور که خودتان می‌بینید، امروز، مردم خدا در زنجیر هستند و حتی دیگر نمی‌توانند حرکت کنند. همانطور که چندین سال است که در گوش شما آواز می‌خوانم، شیطان کنترل کلیسای عیسی مسیح را به دست گرفته است، خادمان او در آنجا ساکن شده‌اند و آنها به عنوان اربابان سلطنت می‌کنند. انواع وحشت، حتی غیر قابل‌تصورترین، خود را در کلیسا تثبیت کرده است. بذار چند تا مثال براتون بزنم:

جادوگران خود را بندگان خدا می‌نامند. آنها وقت خود را صرف تبلیغ قدرتی می‌کنند که از دنیای شیطان به آنها داده می‌شود. مردان مطلقه و سگ‌های مطلقه که دوباره ازدواج کرده‌اند هنوز هم خود را بنده خدا می‌نامند. زنانی که با روحی مشابه ایزابل و دیگر پری دریایی‌های آب‌پر شده‌اند، همگی به اصطلاح بندگان خدا هستند و هر یک در کلیسا خدمتی دارند. شیطان پرستان که وانمود می‌کنند شیطان پرست سابق هستند و ادعا می‌کنند که عیسی مسیح را پذیرفته‌اند، شیطان پرستی را در میان خدمات آموزش می‌دهند و تمرین می‌کنند، بنابراین مؤمنان را به جادوگری آغاز می‌کنند. هر خدمت به یک جلسه شیطان پرستی به نام "راهایی از یک فرد تسخیر شده توسط شیاطین و ارواح ناپاک" تبدیل می‌شود. تعمد توبه ترک شده است. زنانی که ادعا می‌کنند "مسیحی هستند، دوباره در مسیح متولد شده‌اند"، شلوار و سایر لباس‌های منزجر کننده به نام "لباس‌های سکسی" می‌پوشند. موهای تقلبی، ناخن‌های مصنوعی، آرایش، جواهرات و دیگر چیزهای منزجر کننده که مستقیماً از دنیای تاریک می‌آیند، امروز به جلال به اصطلاح مسیحیان تبدیل شده‌اند. گروه‌های اغواگری به نام "گروه‌های آوازخوان" سازماندهی می‌شوند تا افراد نوستالژیک برای کلوپ‌های شبانه را اغوا کنند. تعالیم فقط بر جمع‌آوری پول در قالب عشر، هدایای، هدایای مختلف، نذر و سایر تعهدات شیطانی متمرکز هستند. تنها پیام‌هایی که جادوگران که خود را "شبانان" می‌نامند، هر روز موعظه می‌کنند، پیام‌های زیر است: برکات مادی، رفاه، به اصطلاح "راهایی معنوی افراد تسخیر شده توسط شیاطین و ارواح ناپاک"، ... عجیب‌انگیز، مسیحیانی که به آنها گوش می‌دهند، همه کتاب مقدس دارند و می‌دانند چگونه بخوانند. در حقیقت، کلیسای عیسی مسیح اکنون چیزی بیش از سایه خود نیست.

در طول یک سمینار بیش از بیست سال پیش، در حالی که من توضیح می‌دادم که کلیسای عیسی مسیح چه شده است، یک فرزند خدا گفت که شیطان روی کلیسا نشسته است. من به او پاسخ دادم: "نه برادر من، شیطان بر کلیسا نشسته نیست، شیطان در واقع روی کلیسا دراز کشیده است." اگر نزدیک به 30 سال پیش به کودکان خدا می‌گفتم که شیطان به معنای واقعی بر کلیسای یسوع مسیح دراز کشیده است، به راحتی می‌توانید تصور کنید که کلیسا امروز چه شده است: یک دیوانه خانه واقعی، غاری از دزدها، مارها و دیگر ارواح ناپاک بسیار شرور. هر روز آنجا مهمانی می‌کنند. آنها کفر می‌ورزند و با غرور بزرگ و با موفقیت شگفت‌انگیز خدای زنده را به چالش می‌کشند. و از فرزندان خدا می‌پرسند پس خدای آنها کجاست؟ در حال حاضر، آنها کسانی هستند که کنترل را در دست دارند و می‌دانند که کنترل را در دست دارند. اما چیزی که آنها نمی‌دانند این است که تسلط آنها بر مردم خدا به زودی به پایان می‌رسد.

سالها از زمانی که خداوند کلیسای خود را به دست شیطان رها کرد، می‌گذشت. به همین دلیل است که بندگان شیطان رونق می‌یابند و شکست ناپذیر به نظر می‌رسند. آن‌ها با مردم خدا هر کاری که می‌خواهند انجام می‌دهند. آنها از پیروزی به پیروزی بر مردم خدا می‌روند و بنابراین متقاعد شده‌اند که قادر مطلق شده‌اند. به همین دلیل است که در تعلیم با عنوان **"رهایی معنوی برای افرادی که توسط شیاطین تسخیر شده‌اند"** این را به شما گفتم: اگر شما، فرزندان خدا، از خداوند التماس نکنید که وعده خود را که او به ما در ملاکی 4:6 داده است، انجام دهد، با اعطای این آخرین بیداری معنوی بزرگ اعلام شده، خدا چاره‌ای جز نابود کردن این نسل نخواهد داشت. این تعلیم را در سایت زیر خواهید یافت: mcreveil.org

ملاکی 4:5-6 ⁵"اینک من ایلیای نبی را قبل از رسیدن روز عظیم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد. ⁶و او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران خواهد برگردانید، مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم."

در نهایت، من رازی را به شما می‌گویم. اگر یهوه صباپوت وعده خود را با اعطای به قوم خود این بیداری معنوی بزرگ که توسط ملاکی اعلام شده است، انجام ندهد، ربنده شدن کلیسا که کلیسا منتظر آن است، یک رویداد نخواهد بود. به عبارت دیگر، اگر بیداری معنوی نهایی وجود نداشته باشد، به این معنی است که پس از ربنده شدن کلیسا، جهان حتی متوجه نخواهد شد که یک رویداد رخ داده است.

با همه کسانی که به مسیح عیسی خداوند محبت در بی‌فساد دارند، فیض باد!

دعوت

برادران و خواهران عزیز،

اگر از کلیساهای دروغین فرار کرده اید و می خواهید بدانید که چه کاری باید انجام دهید، در اینجا دو راه حل در دسترس شما است:

1- بررسی کنید که آیا چند فرزند دیگر خدا در اطراف شما وجود دارد که از خدا می ترسند و می خواهند مطابق تعلیم صحیح زندگی کنند. اگر چنین فرزندان خدا را پیدا کردید، از پیوستن به آنها دریغ نکنید.

2- اگر نمی توانید یکی را پیدا کنید و می خواهید به ما بپیوندید، درهای ما به روی شما باز است. تنها کاری که از شما می خواهیم این است که ابتدا تمام آموزه هایی را که خداوند به ما داده است بخوانید، که می توانید در وب سایت ما پیدا کنید www.mcreveil.org، به منظور اطمینان شما که این آموزه ها مطابق با کتاب مقدس است. اگر شما آنها را مطابق با کتاب مقدس پیدا کنید، و آماده باشید که به عیسی مسیح تسلیم شوید، و مطابق با الزامات کلام او زندگی کنید، ما با شادی از شما استقبال خواهیم کرد.

فیض عیسی مسیح خداوند با شما باد!